

خنده شیطان

شیاطین بزرگ - آمریکا و انگلستان و سردمداران کفر و شرک - برنامه مخصوص به خود دارند و با پیاده کردن آن، حکومت می کنند. و آن سیاست - تفرقه بینداز و حکومت کن - است. سپس در جایی می نشینند و به کار دو طرف می خندند.

در زمان گاندی، رهبر انقلابی هند، بعد از مبارزات زیاد و تشکیل جبهه آزادی بخش در هند، زمانی که نزدیک بود جبهه آزادی بخش گاندی به پیروزی برسد، انگلیسی ها متوجه خطر شدند، آن نقشه و سیاست دیرینه شان را پیاده کردند.

نخست شبانه و مخفیانه گاو ماده ای را کشتند، و در محله های گاوپرست انداختند. آن گاه شایع کردند که مسلمانان به خدایان آنها توهین کرده و این گاو را کشته اند، در نتیجه هندوها را به جان مسلمین انداختند و کشتارهای خونینی برپا کردند.

سپس مقدارای نجاست داخل مساجد مسلمانان ریختند و گناه آن را به گردن هندوها انداختند، و بار دیگر مسلمانان را به جان هندوها انداختند و همان کشتارهای تکرار و خون های زیادی روی زمین ریخته شد و انقلاب در اثر تفرقه و زد و خورد از بین رفت. به این ترتیب هر دو طایفه را به سرگرم کردند و از خطر رهیدند و در گوشه ای نفس راحت کشیدند.

هم چنین محمد بن عبدالوهاب را در حجاز، میرزا علی محمد باب را در ایران، غلام احمد قادیانی را در پاکستان به صحنه آوردند و چه خون ریزی هایی که به وجود آوردند. بعد از آن هم به عقل همه آنها خندید و خوشحالی کردند.

شیطان ملعون هم، این سیاست را پیاده می کند تا زن و شوهر، پدر و فرزند، دو برادر، دو رفیق، دو طایفه، دو روستا، دو هم کار و هم کلاس را با هر شیوه و ترفندی که مؤثر باشد به جان هم اندازد.

در این باره، روایتی از معصوم داریم که: آن ملعون اول میان دو نفر یا دوطایفه و فامیل را به هم می‌زند و زد و خورد و جنگ برپا می‌کند، بعد از آن به کوتاه اندیشی هر دو می‌خندد و از کاری که کرده لذت می‌برد. (۷۷)

زنجیر شیطان

شیطان هم مثل سردمداران ستم، برای مهار و تسلیم کردن و بازداشتن از راه حق و کشاندن انسان به سوی خود، زنجیره‌هایی دارد که آنها را به گردن انسان می‌اندازد و ایشان را به راهی که بخواهد می‌کشاند.

آن زنجیره‌ها عبارت‌اند از دوستی دنیا، ریاست خواهی، شکم بارگی، زن دوستی، خواب و تن آسایی، آدم را به گناه می‌کشاند. امام صادق علیه السلام هم فرمود: اولین چیزی که به وسیله آنها معصیت خدا شده همین دوستی‌ها بوده است. (۷۸)

بنا به گفته قرآن و احادیث معصومان علیهم السلام: دوستی دنیا زنجیری است که از همه دوستی‌های دیگر محکم‌تر و خطرناک‌تر، اصل و ریشه هر معصیت، اول هر گناه، اول هر فتنه، بزرگ‌ترین گناه، و سرچشمه هر فتنه و فساد است. سر آمد همه دوستی‌ها که باعث معصیت خدای شود، دوستی دنیا است.

از امام زین العابدین سؤال شد: کدام عمل در پیشگاه خداوند افضل است؟

فرمود: هیچ عملی بعد از شناخت خدا و پیغمبر بهتر از بغض و کینه دنیانیست، زیرا هر فتنه و فساد که در عالم می‌شود از دوستی دنیاسرچشمه می‌گیرد. زن دوستی، ریاست خواهی، راحت طلبی، دوستی کلام و سخن گفتن، چاپلوسی، خود برتر بینی، دوستی مال و ثروت و تمام اینها در دوستی دنیا جمع‌اند. (۷۹)

شیطان با این زنجیرها به ویژه زنجیر دنیا خواهی، همه مردم مگر

عده‌ای اندک را به گناه و معصیت می‌کشاند.

نقل شده: روزی شخصی شیطان را دید که زنجیرها، طناب‌ها، بندهای کلفت و نازک را بار الاغ خود کرده و از راهی می‌رود. سؤال کرد: اینها چیست و کجا می‌روی؟ در جواب گفت: این‌ها دام‌های من است و به وسیله اینها مردم را به بیراهه می‌کشانم.

آن شخص از یکایک دام‌ها و زنجیرها پرسید. او گفت: هر کدام از این‌ها برای شخصی است. گفت: دام من کدام است؟ جواب داد تو احتیاج به دام نداری، خودت بدون دام دنبال من می‌آیی.

پرسید: آن زنجیر بسیار محکم از کیست؟ شیطان گفت: از شیخ مرتضی‌انصاری است. دیشب سه بار آن زنجیر بسیار محکم را به گردن ایشان انداختم، در هر سه مرتبه او آن را گسست و پاره کرد.

می‌گوید: بعد از این قضیه، پیش شیخ انصاری رفتم و داستان را برای ایشان نقل کردم. فرمود: درست است. من دیشب پول برای خریدن غذانداشتم، اما سه مرتبه تصمیم گرفتم از وجوهاتی که پیشم بود بردارم و غذایی بخرم، ولی هر سه مرتبه فکری به خاطر رسید و از دست زدن به آن چشم پوشیدم و گرسنه شب را به پایان رساندم و این، همان زنجیری بود که از شیطان پاره کردم.^(۸۰)

گریه شیطان

شیطان از بعضی کارها خوش حال می‌شود و از بعضی کارهای دیگر ناراحت. از بعضی کارها آن قدر ناراحت می‌شود که جز گریه کار دیگری از دست او ساخته نیست. آن ملعون در چند جا گریه می‌کند. از جمله:

۱. وقتی مؤمنی، مؤمن دیگر را ملاقات نماید و بر او سلام کند.

این جا ابلیس از ناراحتی گریه می کند و می گوید: وای بر من، این دو نفر از هم جدا نمی گردند، مگر این که خداوند هر دو را می آمرزد و داخل بهشت می نماید و زحمات من در گمراهی آنان از بین می رود. در تاریخ آمده: اول کسی که سلام کرد و شیطان را به گریه انداخت، حضرت آدم علیه السلام بود. وقتی خدا روح در او دمید به ملائکه سلام کرد و آنها هم جواب او را دادند. خداوند به او خطاب نمود که: این سنتی شد در میان فرزندان تو تا روز قیامت. شیطان از این کار گریه کرد. (۸۱)

۲. وقتی کسی برای رضای خدا ازدواج کند.

و با عیال حلال و شرعی خود، هم بستر شود و سپس غسل کند. شیطان از ناراحتی گریه می کند و می گوید: وای بر من، این بنده برای رضای خدا و بقای نسل خود و برای فراوانی «لا اله الا الله» گویان، با عیال خود نزدیکی کرد و بعد از آن غسل نمود و خود را پاک و پاکیزه کرد، دستور خدا را اطاعت نمود و خدا هم آنها را آمرزید و از گناهان آنان درگذشت. (اول کسی که غسل کرد و شیطان را به گریه انداخت، حضرت آدم علیه السلام بود.) وقتی او به زمین آمد با همسر خود، هم بستر شد و غسل نمود. (۸۲)

۳. وقتی کسی عطسه کند و بعد از آن بگوید: «الحمد لله رب العالمین»

شیطان از ناراحتی گریه می کند. و نیز اول کسی که عطسه کرد و بعد از آن «الحمد لله» گفت، آدم ابوالبشر علیه السلام بود. (۸۳)

۴. زید شحام می گوید، از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: وقتی انسان در برابر خدای خود سجده کند و آن را طول دهد، شیطان از ناراحتی فریادش بلند می شود و به کناری می رود، شروع به گریه می کند و می گوید: وای بر من، این بنده خدا چگونه او را اطاعت می کند و در مقابل او به خاک می افتد، در حالی که من او را معصیت نمودم و به آدم سجده نکردم. (۸۴)

گریه دروغین شیطان

اولین کسی که به دروغ گریه نمود شیطان بود. (آن ملعون به واسطه گریه، دل بعضی را می سوزاند، بعضی را غافل گیر می کند و بر آنها مسلط می شود و منحرفشان می سازد.) اولین گریه دروغین او پیش حوا بود. وقتی که از فریب دادن آدم علیه السلام مأیوس شد، در حالی که گریه می کرد و اشک می ریخت نزد حوا آمد و او دلش به حال شیطان سوخت. پرسید: چرا گریه می کنی؟ گفت: ای حوا! دلم به حال تومی سوزد حیف از این زیبایی و جوانی تو که می میری و زیر خاک می شوی.

حوا گفت: چه کنم که نمیرم؟ گفت: اگر تو و همسرت از این درخت بخورید، دیگر مرگ به سراغ شما نخواهد آمد. حوا رفت پیش آدم علیه السلام و داستان گریه او را بیان کرد و هر دو از آن درخت خوردند و از بهشت بیرون شدند. (۸۵)

نیز نقل شده که: حضرت یحیی بن زکریا (س) روزی به ابلیس برخورد نمود، در حالی که آن ملعون گریه می کرد. یحیی علت گریه او را پرسید؟ گفت: ای پیامبر خدا! هر چه در خانه خدا می روم و او را می خوانم، جوابم را نمی دهد و عنایت در حقم نمی فرماید. یحیی از روی دل سوزی عرض کرد: خدایا! چه می شد اگر درب عنایت خویش را به روی این مرد باز می کردی و او را مشمول رحمت خود می فرمودی؟! خطاب رسید: ای یحیی! شیطان به دروغ گریه می کند، گریه او

برای فریب دادن بندگانم است. اگر می‌خواهی دروغ او بر تو هویدا شود به او بگو: خدا تو را می‌بخشد، در صورتی که بروی کنار قبر آدم علیه‌السلام و بر خاک او سجده کنی!

یحیی جریان را برای شیطان بازگو کرد و از خواست تا بر سر آدم علیه‌السلام رود و سجده کند! گفت ای یحیی! آن وقت که آدم علیه‌السلام بر مسند عزت و قدرت تکیه زده بود او را سجده نکردم، چگونه حال که مرده و زیر خاک رفته است بروم و خاکش را سجده کنم؟ هرگز چنین کاری نخواهم کرد.

خطاب از جانب خدا رسید: ای یحیی! حال دانستی که گریه آن ملعون نیرنگ بوده و مقصودش منحرف کردن مردم است؟! (۸۶)

چند نفر از شاگردان و پیروان شیطان هم از او پیروی نمودند و به دروغ گریه کردند. یکی پسران یعقوب که شبانه پیش پدر آمدند، در حالی که گریه دروغین می‌کردند و گفتند: ای پدر! یوسف را گرگ خورد و پیراهن خون آلود او را به پدر نشان دادند. (۸۷)

هم چنین در شام، به امر معاویه به بهانه پیراهن عثمان که خون آلود بود عده‌ای گریه‌های دروغین کردند و مردم را علیه حضرت علی علیه‌السلام شوراندند. و نیز مأمون عباسی که در شهادت امام رضا علیه‌السلام در خراسان به دروغ گریه کرد. (۸۸)

فریاد شیطان

بعضی کردارهای انسان آن قدر بر شیطان ناگوار است که او را به فریاد و فغان می‌آورد و از ناراحتی رنجور و نحیف می‌شود. به این داستان توجه کنید:

روزی شیطان در گوشه مسجد الحرام ایستاده بود. حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله هم سرگرم طواف خانه کعبه بودند. وقتی آن حضرت از طواف فارغ شد، دید ابلیس ضعیف و نزار و رنگ پریده، کناری ایستاده‌است، فرمود: ای ملعون! تو را چه می‌شود که چنین

ضعیف ورنجوری؟!

گفت: از دست امت تو به جان آمده و گداخته شدم. فرمود: مگر امت من با تو چه کرده‌اند؟

گفت: یا رسول الله! چند خصلت نیکو در ایشان است، من هر چه تلاش می‌کنم این خوی را از ایشان بگیرم نمی‌توانم. فرمود: آن خصلت‌ها که تو را ناراحت کرده کدام‌اند؟

گفت: اول این که، هرگاه به یک دیگر می‌رسند سلام می‌کنند، و سلام‌یکی از نامهای خداوند است.^(۸۹) پس هر که سلام کند حق تعالی او را از هر بلا و رنجی دور می‌کند. و هر که جواب سلام دهد، خداوند متعال رحمت خود را شامل حال او می‌گرداند.

دوم این که، وقتی با هم ملاقات کنند به هم دست می‌دهند. و آن را چندان ثواب است که هنوز دست از یک دیگر برنداشته حق تعالی هر دو را رحمت می‌کند.^(۹۰)

سوم، وقت غذا خوردن و شروع کارها «بسم الله» می‌گویند و مرا از خوردن آن طعام و شرکت در آن دور می‌کنند.

چهارم، هر وقت سخن می‌گویند: «ان شاء الله» بر زبان می‌آورند و به قضای خداوند راضی می‌شوند و من نمی‌توانم کار آنها را از هم‌پاشم، آنان رنج و رحمت مرا ضایع می‌کنند.

پنجم، از صبح تا شام تلاش می‌کنم تا اینان را به معصیت بکشانم. باز چون شام می‌شود، توبه می‌کنند و زحمات مرا از بین می‌برند و خداوند به این وسیله گناهان آنان را می‌آمرزد.

ششم، از همه اینها مهمتر این است که وقتی نام تو را می‌شنوند با صدای بلند «صلوات» می‌فرستند و من چون صواب «صلوات»

رامی‌دانم، از ناراحتی فرار می‌کنم، زیرا طاقت دیدن ثواب آن را ندارم. هفتم: ایشان وقتی اهل بیت تو را می‌بینند، به ایشان مهر می‌ورزند و این بهترین اعمال است. پس حضرت روی به اصحاب کرده و فرمودند: هر کس یکی از این خصلت‌ها را داشته باشد از اهل بهشت است.^(۹۱)

دشمن وقتی نتوانست از راه‌های ساده و عادی بر حریف خود غالب شود و او را به زمین زند، دنبال کمین گاهی می‌گردد، تا در پناه آن و در وقت مناسب، بر حریف خود حمله کند و ناگهان او را در جای خود از پای در آورد و این شگرد خوبی است.

حیوانات برای این که طعمه خود را به آسانی به دست آورند، کمین می‌کنند، انسان برای نابودی دشمن خود کمین می‌نماید، کمین گاه‌جای امنی برای دشمن است، نزدیک‌ترین راهی است که انسان و هر حیوانی را به مقصود می‌رساند. شیطان هم از این حربه استفاده می‌کند و اگر نتوانست از راه عادی و ساده بر انسان غالب شود، باید کمین کند و از این راه به مقصود برسد. کمین گاه شیطان، مال و ثروت است.

غیاث بن ابراهیم از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: شیطان، فرزند آدم علیه‌السلام را در هر چیز می‌چرخاند و به هر راهی می‌برد - و هر گناهی را به او پیشنهاد می‌کند - همین که او را خسته و ناتوان دید، نیرو و توانش را از او گرفته، در کنار مال و ثروت کمین می‌کند و چون انسان به آن جا رسد - که آخرین مرحله شانس شیطان است - ناگهان گریبانش را می‌گیرد که دیگر راه فراری برای او نیست. (۹۲)

مقصود این است که مال و ثروت بزرگ‌ترین کمین گاه شیطان است، زیرا بسیار کم اتفاق می‌افتد که انسان به مال و ثروت برسد و او را نفریبد و منحرف نکند. قرآن در این باره می‌فرماید:

«كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِغْوَى» (کلا ان الانسان لیطغی ان راه اسغنی)

«چنین نیست که نعمت‌های الهی و مال و ثروت شکرگزاری را برای همیشه در انسان زنده کند، بلکه او مسلماً طغیان می‌کند، چون خود رامستغنی و بی‌نیاز می‌بیند.» (۹۳)

طغیان کردن طبیعت غالب انسان‌ها است، طبیعت کسانی که در مکتب عقل و وحی پرورش نیافته‌اند، آنان وقتی خود را مستغنی می‌پندارند، شروع به سرکشی و طغیان می‌کنند.

از همین جهت است که پیشوای ششم امام صادق علیه‌السلام فرمود: سر

هر خطاکاری دوستی (و علاقه) به دنیا است. چون دنیا انسان را از کسب کمالات و تحصیل آخرت باز می‌دارد، او رابه پرت گاه می‌برد. دوستی مال و ثروت باعث فراموشی خدا و آخرت، دشمنی با خدا و پیامبران الهی و اولیای او و مؤمنان می‌شود. حضرت یوسف علیه السلام وقتی گرفتار آن همه بلا و فتنه می‌شود و در چنگال زیباترین زنان آن زمان گرفتار می‌گردد نمی‌گوید: خدایا! مرا مسلمان بمیران، اما وقتی به ریاست و حکومت می‌رسد از خدمی خواهد که حکومت و ریاست و مال و منال، او را منحرف نکند و برخداشناسی ثابت قدم بدارد و هنگام مردن مسلمان بمیرد. (۹۴)

کابینه شیطان

شیطان هم مانند شهروندان کشورها رئیس جمهور، دولت و کابینه‌ای دارد. و کابینه او مرکب از بیست نفر است. کارهای خود را با کمک آنها انجام می‌دهد. برای هر کاری وزیری تعیین کرده، به انحراف کشیدن مردم را به آن کابینه سپرده است. افراد کابینه‌اش از فرزندان خود او هستند. در هر صبح و شام تخت خود را می‌گذارد و بر آن می‌نشیند، افراد کابینه دورش جمع می‌شوند، او هم دستورهای لازم را به آنها می‌دهد، هر کس در پی ماءموریت خود می‌رود. اسامی کابینه او از این قرار است:

۱. ولها یا ولهان

او ماءمور طهارت و نماز و عبادت است. او انسان را در طهارت و نماز وسوسه می‌کند و به شک می‌اندازد که این نماز باطل است، نماز دیگری شروع کن، وضوی تو ناقص بود، دو مرتبه تجدید کن. گاهی در سجده در بدن انسان چیزی می‌دمد، به طوری که انسان خیال می‌کند وضوی او باطل شد و مجبور شد دو مرتبه وضو بگیرد. (۹۵)

۲. هفاف

ماءموریت دارد که در بیابانها و صحراها انسان را اذیت کند و

برای ترسانیدن او را به وهم و خیال اندازد یا به شکل حیوانات گوناگون به نظرانسان درآید.

۳. زلنبور (یارکتبور)

که آن موکل بازاری‌ها است. لغویات و دروغ، قسم دروغ و مدح کردن متاع را نزد آنها زینت می‌دهد. آنها هم برای این که جنس خود را به فروش رسانند آن اعمال را انجام می‌دهند. (۹۶)

۴. ثبر

در وقتی که مصیبتی به انسان وارد می‌شود، صورت خراشیدن، سیلی به خود زدن، یقه و لباس پاره کردن را برای انسان پسندیده جلوه می‌دهد. (۹۷)

۵. ابیض

انبیاء را وسوسه می‌کند - یا ماء‌مور به خشم در آوردن انسان است و غضب را پیش او موجه جلوه می‌دهد و به وسیله آن خونها ریخته می‌شود.

۶. اعور

کارش تحریک شهوات در مردان و زنها است و آنها را به حرکت می‌آورد! و انسان را وادار به زنا می‌کند.

از زنا افتد و با اندر جهات

ابر ناید از پی منع زکوت

اعور، همان شیطنانی است که بر صیصای عابد را وسوسه کرد تا بادختری زنا کند و بعد او را به قتل رساند. (داستانش خواهد آمد.) روزی اعور پیش هود پیغمبر رفت، آن حضرت ضربه‌ای به چشم او زد، کج شد. (۹۸)

۷. داسم

همواره مراقب خانه‌ها است. وقتی انسان داخل خانه شد و سلام نکرد و نام خدا را بر زبان نیاورد، با او داخل خانه می‌شود و آن قدر وسوسه می‌کند تا شر و فتنه ایجاد نماید و اهل خانه را به جان هم اندازد. اگرانسان سر سفره غذا نشست و «بسم الله» نگفت با او غذا می‌خورد. هرگاه انسان داخل خانه شد و سلام نکرد و ناراحتی پیدا شد

باید بگوید (داسم، داسم، اعود بالله منه). (۹۹)

۸. مطرش یا مشوط و سا وشوط

کار او پراکندن اخبار دروغ یا دروغ‌هایی است که خود جعل کرده، درحالی که حقیقت ندارند. (۱۰۰)

۹. قنذر

او نظارت بر زندگی افراد می‌کند. هر کس چهل روز در خانه خود طنبورداشته باشد، غیرت را از او بر می‌دارد، به طوری که انسان در برابر ناموس خود بی‌تفاوت می‌شود. (۱۰۱)

۱۰. دهار

ماء‌موریت او آزار مؤمنان در خواب است. به طوری که انسان خواب‌های وحشت‌ناک می‌بیند، یا در خواب به شکل زنان نامحرم درمی‌آید و انسان را وسوسه می‌کند تا او را محتمل کند. (۱۰۲)

۱۱. اقبض

وظیفه او تخم‌گذاری است. روزی سی عدد تخم می‌گذارد. ده عدد در مشرق و ده عدد در مغرب و ده عدد زمین، از هر تخمی عده‌ای از شیاطین و عفریت‌ها و غول‌ها و جن بیرون می‌آیند که تمام آنها دشمن انسان‌اند. (۱۰۳)

۱۲. تمریح

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: برای ابلیس - در گمراه ساختن افراد آکمک‌کننده‌ای به نام «تمریح» وی در آغاز شب بین مغرب و مشرق به وسوسه کردن، وقت مردم را پر می‌کند. (۱۰۴)

۱۳. قزح

ابن کوا از امیرالمؤمنین علیه‌السلام از قوس و قزح پرسید، حضرت فرمود: قوس قزح مگو؟! زیرا نام شیطان «قزح» است بلکه بگو «قوس اله و قوس الرحمن».

۱۴. زوال

مرحوم کلینی از عطیة بن المعزام روایت کرده که وی گفت: در خدمت حضرت صادق علیه‌السلام بودم و از مردانی که دارای مرض «ابنه» بوده و هستند یاد کردم. حضرت فرمود: «زوال»

پسر ابلیس با آنها مشارکت می کند ایشان مبتلا به آن مرض می شوند.

۱۵. لاقیس

او یکی از دختران شیطان و کارش وادار کردن زنان به مساحقه. و همجنس بازی زنان است او مساحقه را به زنان قوم لوط یاد داد. یعقوب بن جعفر می گوید: مردی از حضرت صادق علیه السلام از مساحقه بازی زن با زن دیگر - پرسید: حضرت در حالیکه تکیه کرده بود نشست و فرمود: زن زیر و زن رو - هر دو ملعون اند. پس از آن فرمود: خدا بکشد «لاقیس» دختر ابلیس را که چه عمل زشتی را برای زنها آورد. آن مرد گفت: این کار اهل عراق است؟ حضرت فرمود سوگند به خدا که این عمل در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، قبل از آن که در عراق باشد. (۱۰۵)

۱۶. متکون

شکل خود را تغییر می دهد و خود را به صورت بزرگ و کوچک درمی آورد و مردم را گول می زند و این وسیله آنان را وادار به گناه می کند. (۱۰۶)

۱۷. مذهب

خود را به صورت های مختلف در می آورد، مگر به صورت پیغمبر و یاوصی او. مردم را با هر وسیله که بتواند گمراه می کند. (۱۰۷)

۱۸. خنزب

بین نمازگذار نمازش حایل می شود، یعنی توجه قلب را از وی برطرف می کنند. در خبر است که: عثمان بن ابی العاص بن بشر در خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: شیطان بین نماز و قرائت من حایل می شود - یعنی حضور قلب را از من می گیرد - حضرت جواب داد: نامش شیطان «خنزب» است. پس هر زما از او ترسیدی به خدا پناه ببر. (۱۰۸)

۱۹. مقلاص

موکل قمار است. قمار بازها همه به دستور او رفتار می کنند. به وسیله قمار و برد و باخت اختلاف و دشمنی در میان آنان به وجود می آورد. (۱۰۹)

۲۰. طرطبه

یکی از دختران آن ملعون می‌باشد. کار او وادار کردن زنان به زنا است و هم جنس بازی را هم به آنان تلقین می‌کند.^(۱۱۰)
با توجه به مطالب فوق به دست می‌آید که ابلیس به صورت یک فرمانده ویران گر که نقش فرماندهی را به عهده دارد فرمان می‌دهد و بچه‌هایش در اجرای دستورات او می‌کوشند و با تلاش‌ها و تغییر شکل‌های مختلف، جوامع انسانی را به بدبختی می‌کشانند.^(۱۱۱)

بعد ←

↑ فرست

→ قبل